



۲۰۱۶/۰۴/۰۵



رسول پويان

## شام غريبان

تو گویی کربلای دیگر هر دم شهیدان است  
جوان آواره و مأیوس و دلگیر و پریشان است  
ولی با قاتلان و جانیان مانند رضوان است  
چو آهوان وحشی صلح و امنیت گریزان است  
تو گویی تا قیامت آتش قاتل فروزان است  
بنای وحدت ملی ز عمق و ریشه ویران است  
تمام هست و بود مینهم در دست دزدان است  
فضای میهن آزادگان جای عقابان است  
توان ما به بازوی ستبر شرجه شیران است  
کتاب دل پر از گلواژگان لطف یزدان است  
به منظور بقاء دست امید ما به دامن است  
فروغ اعتدال آیین و فرهنگ خراسان است  
تعصب چون ویا ویرانگر بنیاد انسان است  
چراخاموش در عالم چراغ لطف ترکان است  
نه آزادی فقط تخدیر ذهن و قتل وزندان است  
که میراث تمدن همنوای فکر و وجدان است  
وطن قربانی جنگ و رقابتهای دوران است

وطن با دشمنه ظالم چرا شام غریبان است  
ندارد کودک و پیر وطن آغوش مصنوعی  
شده بر مردم بیچاره میهن دوزخ وحشت  
زبس گرگان آدمخوار جنگ و کینه می ورزند  
درون جنگ و آتش طفل ما مرد کهن گردید  
ازان روزی که تخم تفرقه افتاد در میهن  
نشد خالی یک دم از فساد و چور خاک ما  
مگو از فهقه خیل کلاغان، فوج کرگس ها  
نباشد حاصلی از خیل روباهان و کفتاران  
حدیث زشت دجال و شیاطین را مکن تکرار  
اگر مشیت و یخن باشد امید و یأس تا محشر  
ز پاکستان اگر صد سال آید ذهن افراطی  
ز بیداد سعودی کعبه دل ها شود ویران  
ز استبداد اردوغان نخیزد جز بلا و شر  
ز استبداد شیخ و طالب و ملا گریزان شو  
وطنداران به دوران نوین انسانیت جویند  
ز استعمار امروز و کهن میهن بود ویران

نگردد تا وطن از بند افراط و ستم آزاد  
تمام صحن گیتی بهر ما مانند زندان است

2016/3/1



د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې د لیکنېزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ